



آزمون اول

متناظر با آزمون ۵ مرداد

بازه‌ی زمانی مناسب برای استفاده از این آزمون (۲۲ تیر تا ۴ مرداد)

تعداد سؤال	مبحث	نام درس
۱۰	آشنایی با منطق و استدلال ریاضی (گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها) صفحه‌ی ۱ تا ۱۱	ریاضی و آمار ۲
۱۰	آشنایی با اقتصاد (اقتصاد چیست؟ و تولید) صفحه‌ی ۸ تا ۳۰	اقتصاد
۱۰	فصل یکم (تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷ و ۸ و ۹.... تشبیه) صفحه‌ی ۱۲ تا ۳۶	علوم و فنون ادبی ۲
۱۰	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ، اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ، جَوَازٌ فِي سُوقٍ مَشْهُدٍ) الدَّرْسُ الثَّانِي (صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْاَدَبِ الْفَارْسِيِّ، اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ) صفحه‌ی ۱ تا ۲۵	عربی، زبان قرآن ۲
۱۰	جهان اجتماعی (کنش‌های ما، پدیده‌های اجتماعی، جهان اجتماعی) صفحه‌ی ۱ تا ۲۲	جامعه‌شناسی ۱
۱۰	فرهنگ جهانی (جهان فرهنگی، فرهنگ جهانی، نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)) صفحه‌ی ۱ تا ۲۶	جامعه‌شناسی ۲
۱۰	تعریف (انسان و تفکر، چگونه تعریف می‌کنیم؟، تعریف و دنیای مفاهیم) صفحه‌ی ۱ تا ۱۹	منطق
۱۰	معنا و قلمروی فلسفه (فلسفه چیست ۱ و ۲) صفحه‌ی ۲ تا ۲۵	فلسفه‌ی سال سوم
۱۰	روان‌شناسی (تعریف و روش مورد مطالعه) روان‌شناسی رشد (تا پایان مراحل مهم رشد در «فراخای زندگی») صفحه‌ی ۸ تا ۴۴	روان‌شناسی

در مجموع : ۹۰ سؤال

گزیده نکات

■ ریاضی و آمار ۲

۱- مفهوم گزاره: در منطق ریاضی به هر جمله خبری که بتوانیم دقیقاً یکی از دو ارزش درست یا نادرست را به آن نسبت دهیم، هر چند که درستی یا نادرستی آن مشخص نباشد، یک گزاره می‌گوییم.

گزاره درست و نادرست: در منطق ریاضی گزاره‌ها را با  $p, q, r$  و ... نشان می‌دهند و هر گزاره همواره درست را با  $T$  و هر گزاره همواره نادرست را با  $F$  نشان می‌دهند.

۲- نقیض گزاره: نقیض گزاره  $p$  را با  $(\sim p)$  نمایش می‌دهند و ارزش آن دقیقاً مخالف ارزش گزاره  $p$  است. برای بیان نقیض گزاره  $p$  کافی است که فعل جمله را نفی کنیم و به صورت «چنین نیست که  $p$ » بخوانیم.

۳- تعداد حالت‌های ارزشی  $n$  گزاره دلخواه: اگر گزاره مرکبی شامل  $n$  گزاره ساده داشته باشیم،  $2^n$  حالت ارزشی وجود خواهد داشت.

۴- ترکیب عطفی دو گزاره: ترکیب عطفی دو گزاره  $p$  و  $q$  را با نماد  $(p \wedge q)$  نشان می‌دهند و به صورت « $p$  و  $q$ » می‌خوانند. ارزش آن در حالتی درست است که هر دو گزاره  $p$  و  $q$  درست باشند، در غیر این صورت ارزش ترکیب عطفی آن‌ها نادرست است.

$p$	$q$	$p \wedge q$
$T$	$T$	$T$
$T$	$F$	$F$
$F$	$T$	$F$
$F$	$F$	$F$

۵- ترکیب فصلی دو گزاره: ترکیب فصلی دو گزاره  $p$  و  $q$  را با نماد  $(p \vee q)$  نشان می‌دهند و آن را « $p$  یا  $q$ » می‌خوانند. ارزش آن در حالتی نادرست است که هر دو گزاره  $p$  و  $q$  نادرست باشند، در غیر این صورت ارزش ترکیب فصلی آن‌ها درست است.

$p$	$q$	$p \vee q$
$T$	$T$	$T$
$T$	$F$	$T$
$F$	$T$	$T$
$F$	$F$	$F$

۶- ترکیب شرطی دو گزاره: هرگاه بخواهیم از گزاره  $p$  گزاره  $q$  را نتیجه بگیریم، از نماد « $p \Rightarrow q$ » استفاده می‌کنیم و به یکی از صورت‌های زیر می‌خوانیم:

(اگر  $p$  آن‌گاه  $q$ )، ( $p$  نتیجه می‌دهد  $q$  را)، ( $q$  از  $p$  نتیجه می‌شود). که  $p$  را گزاره مقدم و  $q$  را گزاره تالی می‌گویند و جدول ارزشی آن به صورت زیر است. با توجه به جدول ارزش گزاره شرطی در حالتی نادرست است که مقدم درست باشد و تالی نادرست باشد.

$p$	$q$	$p \Rightarrow q$
$T$	$T$	$T$
$T$	$F$	$F$
$F$	$T$	$T$
$F$	$F$	$T$

در حالتی که مقدم نادرست است می‌گوئیم ارزش گزاره شرطی همواره درست است و در این حالت می‌گوییم گزاره شرطی به انتفای مقدم دارای ارزش درست است.

۷- ترکیب دو شرطی: هرگاه بخواهیم از گزاره  $p$  گزاره  $q$  را نتیجه بگیریم و نیز از گزاره  $q$  گزاره  $p$  را نتیجه بگیریم آن را با نماد  $(p \Leftrightarrow q)$  می‌نویسیم و آن را به صورت «اگر  $p$  آن‌گاه  $q$  و برعکس» یا « $p$  شرط لازم و کافی است برای  $q$ » یا « $p$  اگر و تنها اگر  $q$ » یا « $p$  نتیجه می‌دهد  $q$  را و  $q$  نتیجه می‌دهد  $p$  را» و یا «اگر  $p$  آن‌گاه  $q$  و اگر  $q$  آن‌گاه  $p$ » می‌خوانیم. در واقع این ترکیب دو شرطی هم‌ارز گزاره  $[(p \Rightarrow q) \wedge (q \Rightarrow p)]$  است.

$p$	$q$	$p \Leftrightarrow q$
$T$	$T$	$T$
$T$	$F$	$F$
$F$	$T$	$F$
$F$	$F$	$T$

ترکیب دو شرطی در حالتی که دو گزاره  $p$  و  $q$  هم‌ارزش باشند، درست است و در غیر این صورت نادرست است.

۸- تذکر: هم‌ارزش بودن دو گزاره  $p$  و  $q$  را با  $(p \equiv q)$  نشان می‌دهیم و می‌گوئیم دو گزاره هم‌ارز هستند.

۹- هم‌ارزی‌های دموگان:

$$\sim (p \vee q) \equiv \sim p \wedge \sim q$$

$$\sim (p \wedge q) \equiv \sim p \vee \sim q$$

$$p \wedge (q \vee r) \equiv (p \wedge q) \vee (p \wedge r)$$

$$p \vee (q \wedge r) \equiv (p \vee q) \wedge (p \vee r)$$

## ■ اقتصاد

## اقتصاد چیست؟

در تصویر ساده از زندگی انسان با دو مفهوم **نیازهای انسان** و **منابع** و **امکانات** روبه‌رو می‌شویم.

## نیازهای انسان:

- ۱- محرک انسان برای فعالیت و تلاش
- ۲- انسان به دنبال احساس نیاز تصمیم به رفع آن نیاز می‌گیرد و پس از رفع، احساس رضایت می‌کند.
- ۳- نیازهای انسان مراتبی دارد.
- ۴- انسان موجودی کمال‌جو است. (با برآورده شدن پاره‌ای از نیازها، احساس بی‌نیازی به او دست نمی‌دهد، بلکه نیازهای تازه‌ای در او شکل می‌گیرد.)

## منابع و امکانات:

محدودیت منابع و امکانات در دسترس انسان

← وضعیت کمیابی

محدودیت انسان در بهره‌برداری از منابع

مهم‌ترین مسئله‌ی زندگی و موضوع اصلی علم اقتصاد: **انتخاب**

بهترین روش استفاده از منابع و امکانات روشی است که بتوان با استفاده از منابع، **بیش‌ترین میزان منافع** و **سطح بالاتری از رفاه** را برای انسان فراهم کرد.

## هزینه‌ی فرصت:

- هر انتخاب مستلزم از دست دادن انتخاب یا انتخاب‌های دیگر است.
- اگر کشاورزی بین کاشتن گندم و توت‌فرنگی کاشتن گندم را انتخاب کند ← **مقدار منافع از دست رفته** حاصل از کاشت توت‌فرنگی، هزینه‌ی فرصت کاشت گندم است.

## تعریف علم اقتصاد:

- علم اقتصاد، علمی است که انتخاب‌های بشر را به‌صورت رابطه‌ی بین **منابع** و **عوامل تولید کمیاب** - که موارد استفاده‌ی مختلف دارند - و **نیازهای مادی نامحدود** او مطالعه و با ارائه‌ی بهترین انتخاب‌ها، رفتارهای فردی و جمعی انسان را مدیریت می‌کند.
- با گسترش و پیشرفت تمدن بشری، اندیشه‌ی اقتصادی بشر نیز تکامل بیش‌تری یافت و با عنوان علم اقتصاد شناخته شد.

## هدف علم اقتصاد:

راهنمایی انسان برای بهترین انتخاب و به‌کارگیری بهترین روش به‌منظور استفاده از منابع و امکانات خویش.

## اقتصاد و آموزه‌های اسلامی:

- دین اسلام در پی **سعادت واقعی** و **کامل** انسان‌هاست و **دنیا و آخرت** را همراه با هم مورد توجه قرار می‌دهد. (ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه)
- در کنار ارتقای معنوی انسان، بی‌اعتنایی به مسائل دنیوی و اقتصادی را قبول ندارد.
- اسلام در دسترس نبودن معاش را خطری می‌داند که اعتقادات انسان را تهدید می‌کند. (من لا معاش له، لا معاد له)
- از نظر اسلام تلاش برای رفع فقر و رسیدن به رفاه و توانگری مادی پسندیده است و فردی که برای ارتقای سطح زندگی خانواده یا هموعانش می‌کوشد، همانند کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، شایسته‌ی تقدیر است. (الکاد علی عیاله، کالمجاهد فی سبیل الله)
- قرآن تأکید می‌کند رفع همه‌ی مشکلات انسان در گروهی عمل به آموزه‌های الهی است.
- یکی از علت‌های توجه اسلام به اقتصاد، **اهمیت روزافزون** مسائل اقتصادی در اجتماع و زندگی جمعی انسان‌ها و **تأثیر آن بر همه‌ی جنبه‌های زندگی** (اجتماعی - سیاسی و فرهنگی) فرد، خانواده و جامعه است.
- اگر جامعه‌ی اسلامی به دنبال حفظ هویت و استقلال سیاسی و فرهنگی خود باشد، باید به رشد و پیشرفت اقتصادی به مثابه‌ی یکی از مهم‌ترین ابزارها در این مسیر توجه کند.

چند مفهوم اولیه:

انواع کالا	تعریف	مثال
کالای مصرفی	در بازار عرضه می‌شوند و توسط مصرف‌کنندگان نهایی خریداری می‌شوند و به مصرف می‌رسند.	گوجه‌فرنگی که خانواده‌ها تهیه می‌کنند و به مصرف می‌رسانند.
کالای واسطه‌ای	کالاهای عرضه‌شده در بازار توسط تولیدکنندگان دیگری برای ادامه‌ی فرایند تولید و تبدیل به کالای مختلف، خریداری و مورد استفاده قرار می‌گیرند.	گوجه‌فرنگی که توسط کارخانه‌ها خریداری و برای تولید رب گوجه‌فرنگی به کار می‌رود.
کالای بادوام	این کالاها، خودشان مصرف نمی‌شوند بلکه در طول زمان، خدمات آن‌ها مورد مصرف قرار می‌گیرد و با یک بار مصرف، تمام نمی‌شوند.	اتومبیل، یخچال در منزل
کالای سرمایه‌ای	کالاهای بادوامی که در فرایند تولید از سوی نیروی انسانی به کار گرفته می‌شوند.	یخچال در مغازه‌ی بستنی‌فروشی، تراکتور و ماشین‌آلات کارخانه‌ها، ابزارهای تولیدی
کالای ضروری	برای تأمین نیازهای اولیه مصرف می‌شوند. فرد به‌رغم تغییر زیاد قیمت کالا در بازار، مصرف آن را تغییر نمی‌دهد.	خوراک، پوشاک، مسکن، نمک، دارو
کالای لوکس و تجملی	برای تأمین نیازهای کم‌اهمیت‌تر مصرف می‌شوند. فرد با کوچک‌ترین تغییر در قیمت، مصرف کالا را تغییر می‌دهد.	نورافشان، فرش‌های گران‌قیمت

• ضروری یا تجملی بودن کالا از فردی به فرد دیگر، از زمانی به زمان دیگر و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است. بازیگران و فعالان عرصه اقتصاد:

- ۱- بازیگران خرد: افراد، خانواده‌ها یا شرکت‌ها، انواع مؤسسات انتفاعی یا غیرانتفاعی، خیریه‌ها و ... که در تولید محصولات و یا مصرف آن‌ها و مبادله با یک‌دیگر نقش ایفا می‌کنند.
- ۲- بازیگر کلان: دولت که برای ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد یا تأمین برخی نیازهای عمومی (مثل دفاع نظامی) فعالیت می‌کند.
- ۳- سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و جهانی و منطقه‌ای: با کمک این سازمان‌ها روابط اقتصادی بین کشورها بیش‌تر رونق می‌گیرد و حقوق همه‌ی طرف‌های درگیر در تجارت جهانی حفظ می‌شود.

تولید

منابع به‌گونه‌ای که هستند نمی‌توانند مورد استفاده‌ی انسان‌ها قرار گیرند. بلکه باید با برخی اقدامات و ایجاد ارزش مصرفی و مبادلاتی، به کالاها و خدماتی تبدیل شوند که می‌توانند نیازهای انسان‌ها را برآورده کنند. ← این سلسله اقدامات همان تولید است.

تولیدکنندگان:

همه‌ی فعالان اقتصادی (کشاورزان، صنعتگران، تعمیرکاران، رانندگان، کارکنان دولت، مشاوران و متخصصان، بانک‌ها، بیمه‌ها، زنان خانه‌دار) به نوعی تولیدکننده‌ی کالا یا خدمات هستند و با فعالیت خود، ارزش افزوده ایجاد می‌کنند.

انواع تولید	تعریف	مثال
احیا	انسان با در اختیار داشتن منابع و محصولات طبیعی و هم‌چنین با کار خود و استفاده از ابزار، منابع طبیعی را به تولید می‌رساند. (بدون حیات، اولین تولید انسان ممکن نبود).	زراعت / باغبانی / پرورش ماهی
صنعت	ترکیب و تبدیل مواد حیات‌شده یا ایجاد ارزش مصرفی یا مبادلاتی در محصولات به‌دست آمده از احیای منابع طبیعی	صنایع غذایی / پوشاک / پتروشیمی
تولید محصولات نرم یا خدمات	تولید محصولات غیرمحموس و غیر ملموس	ارائه خدمات پزشکی

حیازت: برداشت مستقیم محصول آماده‌ی طبیعت و مالکیت آن (بدون این که کاری روی آن انجام شود).

مثال: بهره‌برداری از علف مراتع، چوب جنگل‌ها، معادن و یا ماهی دریاها

عوامل تولید:

- عوامل تولید عبارت‌اند از: }  
 ۱- منابع طبیعی (زمین): دریاها، معادن و ...  
 ۲- عوامل انسانی: کارگر، کارفرما و ...  
 ۳- سرمایه: ابزار و تجهیزات و پول و ...

سازمان تولید:

جایگاه و نقش هر یک از عوامل تولید را «سازمان تولید» مشخص می‌کند و در واقع پاسخ به این سؤال است که «تولیدکننده و صاحب

اصلی محصول تولیدی کیست؟»

دو حالت خواهیم داشت:

۱- سازمان تولید مشارکتی است:

\* همه‌ی عوامل تولید صاحب محصول هستند.

\* همه با هم در فرایند تولید مشارکت می‌کنند.

\* محصول یا ارزش محصول به‌طور مساوی و یا با نسبتی توافق‌ی تقسیم می‌شود.

۲- مالکیت کسب و کار تولیدی متعلق به یکی یا به‌صورت مشترک با برخی از عوامل تولید است.

انواع سازمان‌های تولیدی: }  
 سازمان‌های تعاونی  
 سازمان‌های خصوصی  
 سازمان‌های سهامی عام  
 سازمان‌های سهامی خاص

توزیع درآمد بین عوامل تولید در هر سازمان تولیدی باید عادلانه و بر اساس میزان مشارکت آن‌ها در تولید و قبول خطر باشد.

هزینه تولید

مبالغی را که تولیدکنندگان برای تولید، صرف می‌کنند، هزینه‌های مستقیم تولید می‌نامند.

\* هزینه‌های تولید = پول‌هایی که برای خرید یا اجاره‌ی عوامل تولید به صاحبان آن‌ها می‌پردازیم.

درآمد و سود

درآمد = پولی که تولیدکنندگان با فروش محصولات خود به‌دست می‌آورند.

کل محصول  $\times$  قیمت = درآمد

•  $>$  هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

•  $<$  هزینه‌های مستقیم - درآمد = زیان

اگر تولیدکننده خودش صاحب سرمایه‌ی فیزیکی (ابزار تولید) یا زمین (مغازه) باشد یا خودش کار کند (صاحب نیروی انسانی نیز باشد).

در ظاهر پولی به عوامل تولید پرداخت نمی‌کند و هزینه‌ای ندارد. در حالی که وی می‌توانست این سرمایه‌های فیزیکی یا زمین را به دیگری

اجاره دهد و درآمد کسب کند. اقتصاددانان این هزینه‌ی غیرمستقیم را هزینه فرصت می‌نامند و هزینه‌های تولید را شامل هم هزینه‌های

مستقیم و هم هزینه‌های فرصت می‌دانند.

هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم - درآمد = سود اقتصادی (سود ویژه)

در تکمیل اظهارنامه مالیاتی، تولیدکنندگان سود ویژه خود را درج می‌کنند.

بهره‌وری = به‌دست آوردن بیش‌ترین خروجی (تولید) با کم‌ترین ورودی (کم‌ترین هزینه)

در بین دو تولیدکننده که هر دو عوامل تولید یکسان دارند آن که محصول بیش‌تری تولید کند، بهره‌وری بیش‌تری دارد.

■ علوم و فنون ادبی ۲



تشبیه

تشبیه بر دو نوع است: ۱- گسترده ۲- فشرده  
 در تشبیه گسترده هر چهار پایه یا سه پایه یا رکن تشبیه (مشبه، مشبّه‌به، وجه شبه، ادات تشبیه) ذکر می‌شود.  
 مثال تشبیه گسترده: بلم آرام چون قویی سبکبار / به نرمی بر سر کارون همی رفت (توللی)  
 بلم: مشبه - قویی سبکبار: مشبه به - چون: ادات تشبیه - آرام حرکت کردن: وجه شبه

پر کاربردترین اشکال

در تشبیه فشرده (بلیغ) فقط ارکان تشبیه (مشبه و مشبه‌به) ذکر می‌شوند و عبارتند از:  
 ۱- اضافی ← دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی (حافظ)  
 ۲- اسنادی ← سعادت، کیمیا است.

پایه‌های آوایی

کلام ادبی یا شعر مثل حرکت یکنواخت قطار، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت و گردش فصل‌ها نظم و استمرار دارد که آن را آهنگین و موسیقایی می‌سازد. این نظم با درک پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون آشکار می‌شود.  
 مثال: خورشید را حاجب تویی اومید را واجب تویی / مطلب تویی طالب تویی هم منتها هم مبتدا  
 با خوانش درست شعر به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند.

خَر	شید	د	را	حَا	جِب	تْ	یِی	اَو	مِید	د	رَا	وَا	جِب	تْ	یِی
مَط	لَب	تْ	یِی	طَا	لَب	تْ	یِی	هَم	مَن	تْ	هَا	هَم	مِب	تْ	دَا

به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، پایه یا رکن عروضی می‌گویند.  
 وزن شعر هم حاصل از چینش منظم همین پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

## ■ عربی، زبان قرآن ۲

## إِسْمُ التَّفْضِيلِ

اسم تفضیل در زبان عربی معادل صفت برتر و صفت برترین در زبان فارسی می‌باشد.

مثال: أَكْبَرُ = بزرگ‌تر (صفت برتر) / بزرگ‌ترین (صفت برترین یا عالی)

👉 **نکته** در زبان فارسی صفت برتر را پس از اسم و صفت برترین را پیش از اسم به کار می‌بریم.

مثال: درخت زیباتر / زیباترین درخت

👉 **نکته** اسم تفضیل برای مذکر بر وزن «أَفْعَلٌ» و برای مؤنث بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

مثال: أَكْبَرُ ← اسم تفضیل مذکر (بزرگ‌تر / بزرگ‌ترین)

كُبْرَى ← اسم تفضیل مؤنث (بزرگ‌تر / بزرگ‌ترین)

👉 **نکته** گاهی اسم تفضیل بر وزن‌های «ظاهری» مانند «أَفْعَى» و «أَفْعَلٌ» می‌آید که برای یافتن سه حرف اصلی آن‌ها باید دقت

نمایید.

مثال: وزن أفْعَى ← أَعْلَى (ع ل ع ی): بلندتر / بلندترین - أَدْكَى (ذ ک ی): باهوش‌تر / باهوش‌ترین

وزن أفْعَلٌ ← أَحَبُّ (ح ب ب): محبوب‌تر / محبوب‌ترین أَهَمُّ (ه م م): مهم‌تر / مهم‌ترین

👉 **نکته** همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل برای مؤنث بر وزن «فُعْلَى» می‌آید، اما باید دقت نمایید این وزن اختصاص به زمانی دارد که

اسم تفضیل همراه با «ال» (معمولاً به عنوان صفت) بعد از اسم مؤنث بیاید و زمانی که مراد مقایسه بین دو اسم مؤنث باشد از همان وزن «أَفْعَلٌ» همراه با حرف «مِن» استفاده می‌شود.

مثال: فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر) - هِيَ الْفُضْلَى (او برتر است).

بِنْتِي أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ (دخترم کوچک‌تر از فاطمه است).

👉 **نکته** هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، به صورت «صفت برترین» فارسی ترجمه می‌شود. در غیر این صورت اسم تفضیل به

صورت «صفت برتر» فارسی ترجمه می‌گردد.

مثال: أَحْمَدُ أَكْبَرُ الْبَنِينَ فِي الْأُسْرَةِ: احمد بزرگ‌ترین فرزندان در خانواده است.

أَحْمَدُ أَكْبَرُ مِنْ أَخِيهِ: احمد بزرگ‌تر از برادر خود است.

👉 **نکته** اسم رنگ‌ها نیز بر وزن «أَفْعَلٌ» می‌آید، اما هیچ کدام اسم تفضیل نیستند.

مثال: أَخْضَرُ (سبز)، أَبْيَضُ (سفید)، أَسْوَدُ (سیاه)، أَحْمَرُ (قرمز) و ... هیچ کدام اسم تفضیل نیستند.

👉 **نکته** اسامی تفضیل را نیز می‌توان جمع بست؛ دقت نمایید جمع مکسر این اسامی معمولاً بر وزن «أَفَاعِلٌ» می‌آید.

مثال: «أَرَادِلٌ» (پست‌ترها) جمع مکسر «أَرَدَلٌ» می‌باشد.

## اسمُ الْمَكَانِ

یکی دیگر از وزن‌های مهم، اسم مکان است که بر مکان دلالت می‌کند. اسم مکان معمولاً بر وزن‌های «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال: مَلْعَبٌ (ورزشگاه) - مَحْمِلٌ (کجاوه) - مَدْرَسَةٌ (مدرسه)

👉 **نکته** برای این‌که هیچ‌گاه وزن‌های اسم مکان را فراموش نکنید، عبارت «مَسْجِدٌ وَ مَعْبَدٌ وَ مَدْرَسَةٌ» را به خاطر بسپارید!

👉 **نکته** جمع مکسر اسم مکان بر وزن «مَفَاعِلٌ» می‌آید.

مثال: مَدَارِسٌ ← مَدْرَسَةٌ - مَكَاتِبٌ ← مَكْتَبَةٌ

👉 **نکته** دقت نمایید اسم‌های زیر گرچه بر مکان دلالت دارند اما چون بر وزن‌های ذکر شده نیامده‌اند، اسم مکان نیستند:

مَدِينَةٌ (شهر)، تَحْتُ (زیر)، بِلَادٌ (کشور)، بَحْرٌ (دریا) و ...

۱ وزن‌های «ظاهری» در مقابل وزن‌های «قطعی» مانند «أَفْعَلٌ» قرار گرفته و در آن‌ها سه حرف اصلی (ف ع ل) کامل نمی‌باشد.

۲ در اسم تفضیل‌هایی که حرف سوم ریشه آن‌ها «ی» می‌باشد.

۳ در اسم تفضیل‌هایی که ریشه آن‌ها دارای دو حرف یکسان است.

### اسمُ الفاعِلِ

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» بوده که با وزن آن در پایه نهم آشنا شده بودید. اسم فاعل بر دو نوع است.

(۱) اسم فاعل ثلاثی مجرد: از فعل‌های ثلاثی مجرد و بر وزن «فاعل» ساخته می‌شود. مثل نَظَرَ (دید) ← ناظر (بیننده)

(۲) اسم فاعل ثلاثی مزید: از مضارع فعل‌های ثلاثی مزید ساخته می‌شود و به این صورت که در ابتدای آن به جای حرف مضارعه (ی) «مُ»

قرار داده و حرف ماقبل آخرش را کسره (ـِ) می‌دهیم. مثل: يُقَاتِلُ (می‌جنگد) ← مُقَاتِل (جنگنده)

👉 **نکته** گاهی اسم فاعل بر وزن‌های «ظاهری» مانند «فَالٌ» و «أَعِلٌ» می‌آید که برای یافتن سه حرف اصلی آن‌ها باید دقت نمایید.

مثال: وزن «فَالٌ» ← دالّ (د ل ل): راهنما - ضالّ (ض ل ل): گمراه

وزن «أَعِلٌ» ← آخر (أ خ ر): پایان - امر (أ م ر): امرکننده

👉 **نکته** دقت نمایید دو اسم «أَخِرٌ» و «أَخْرٌ» را اشتباه نگیرید.

أَخِرٌ: اسم تفضیل و به معنای «دیگر» بوده و مؤنث آن «أُخْرَى» می‌باشد.

أَخْرٌ: اسم فاعل و به معنای «پایان» بوده و مؤنث آن «أَخْرَةٌ» می‌باشد.

### اسمُ المَفْعُولِ

اسم مفعول به معنای «انجام شده» بوده و مانند اسم فاعل با وزن آن در پایه نهم آشنا شده بودید. اسم مفعول نیز بر دو نوع است:

(۱) اسم مفعول ثلاثی مجرد: از فعل‌های ثلاثی مجرد و بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود. مثل: قَتَلَ (کشت) ← مقتول (کشته شده)

(۲) اسم مفعول ثلاثی مزید: از مضارع فعل‌های ثلاثی مزید ساخته می‌شود و به این صورت که در ابتدای آن به جای حرف مضارعه (ی) «مُ»

قرار داده و حرف ماقبل آخرش را فتحه (ـَ) می‌دهیم. مثل: یَسْتَخْرِجُ (استخراج می‌کند) ← مُسْتَخْرَج (استخراج شده)

### اسمُ المُبَالَغَةِ

اسم مبالغه به «بسیاری صفت یا انجام کار» دلالت دارد و دو وزن مهم آن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» است.

مثال: کَذَابٌ (بسیار دروغگو) - عَفَّارٌ (بسیار آمرزنده) - فَهَامَةٌ (بسیار فهمیده)

👉 **نکته** گاهی وزن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» به شغل، ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می‌کند که باید دقت نمایید این موارد اسم مبالغه به شمار

نمی‌آیند؛ چرا که به بسیاری صفت دلالت ندارند.

مثال: حَبَّازٌ (نانوا) - طَبَّاحٌ (آشپز) - رَسَامٌ (نقاش) - سَيَّارَةٌ (خودرو) - فُتَّاحَةٌ (درباز کن)

👉 **نکته** حرف «ة» در پایان وزن «فَعَالَةٌ» نشان دهنده مؤنث بودن نیست و بسیاری صفت را نشان می‌دهد.

مثال: رَجُلٌ فَهَامَةٌ (مرد بسیار فهمیده) - إِمْرَأَةٌ فَهَامَةٌ (زن بسیار فهمیده)

<sup>۴</sup> در اسم فاعل‌هایی که ریشه آن‌ها دارای دو حرف یکسان است.

<sup>۵</sup> در اسم فاعل‌هایی که حرف اول ریشه آن‌ها «همزه» می‌باشد.



### جامعه‌شناسی ۱

تعریف کنش انسانی: در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، کنش و به انجام دهنده آن کنشگر می‌گویند.

- ویژگی‌های کنش انسانی
- ۱- آگاهانه بودن؛ به‌گونه‌ای که در صورت نبود آگاهی ادامه پیدا نمی‌کند.
  - ۲- ارادی بودن؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد انجام نمی‌شود.
  - ۳- هدفدار بودن؛ هر فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود.
  - ۴- معنادار بودن؛ انسان با توجه به معنای کنش خود آن را انجام می‌دهد.

- پیامدهای حاصل از کنش
- ۱- پیامدهای ارادی: به اراده افراد انسانی وابسته است ← نتایج احتمالی است.
  - ۲- پیامدهای غیرارادی: به اراده انسان بستگی ندارد ← نتایج قطعی است.

- انواع کنش‌ها
- ۱- بیرونی
  - ۲- درونی
  - ۳- اجتماعی
  - ۴- فردی

تعریف کنش اجتماعی: نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود؛ کنش اجتماعی به همراه پیامدهایش، پدیده اجتماعی را به وجود می‌آورد.

هنجار اجتماعی: شیوه انجام کنش اجتماعی که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است.

ارزش‌های اجتماعی: پدیده‌های مطلوب مورد توجه و پذیرش افراد یک جامعه.

جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی: انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به افراد توسط نهادهای فرهنگی.

مجموعه پدیده‌های اجتماعی جهان اجتماعی را شکل می‌دهند.

- شباهت‌های جهان اجتماعی و موجودات زنده
- ۱- وجود اعضای مختلف در هر دو
  - ۲- وجود نظم در آنها

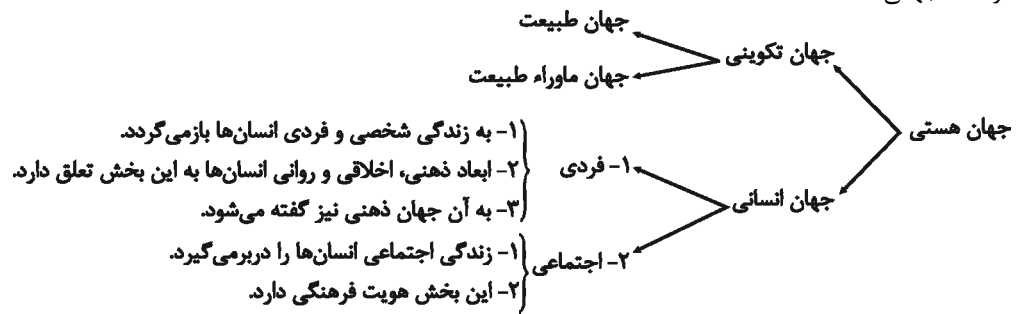
- تفاوت‌های جهان اجتماعی و موجودات زنده
- ۱- عضویت و نظم موجودات زنده به صورت طبیعی و خارج از آگاهی و اراده اعضاست.
  - ۲- عضویت و نظم جهان اجتماعی اعتباری و با قرارداد و اعتبار انسان است.

جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود از طریق نهادهای فرهنگی تداوم می‌یابد و در صورت ناتوانی در انتقال آن از بین می‌رود و جهان اجتماعی دیگری جایگزینش می‌شود.

- گستره جهان اجتماعی
- پدیده‌های درون جهان اجتماعی: با اراده و قرارداد انسان‌ها ایجاد می‌شوند.
  - پدیده‌های بیرون از جهان اجتماعی: مستقل از خواست و اراده انسان است اما به‌واسطه ارتباط با زندگی اجتماعی انسان می‌توانند در گستره جهان اجتماعی قرار گیرند.

جامعه‌شناسی ۲

فرهنگ جهانی:



بین جهان‌های مختلف رابطه وجود دارد همان‌طور که بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب برقرار است، بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه وجود دارد.

سه دیدگاه درباره تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی:

- ۱- دیدگاه اول: جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت / جهان طبیعی مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی / عدم تفاوت میان علوم انسانی و طبیعی / سلب قدرت داورى ارزشی و انتقادی از علوم انسانی
- ۲- دیدگاه دوم: جهان فرهنگی مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی / جهان ذهنی و فردی تابع فرهنگ / جهان تکوینی ماده خامی برای دخل و تصرف
- ۳- دیدگاه سوم: هر سه جهان مهم و در تعامل با هم

فرهنگ جهانی: فرهنگی که از مرزهای ۱- فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن ناظر به قوم خاصی است و نسبت به سایر اقوام نگاه سلطه‌جویانه دارد. جغرافیایی و قومی عبور می‌کند. ۲- فرهنگی که سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید مشترک انسانی سخن می‌گوید.

- ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب:
- ۱- حقیقت: معیار و میزان برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف
  - ۲- معنویت: پرسش‌های بنیادین درباره مرگ و زندگی
  - ۳- عدالت: مانع دوقطبی شدن جهان و استضعاف
  - ۴- حریت و آزادی: رهایی از قید و بندهایی که مانع رسیدن انسان به کمال می‌شود.
  - ۵- تعهد و مسئولیت: قدرت مقاومت فرهنگ و زمینه گسترش عقاید و ارزش‌های جهان شمول
  - ۶- عقلانیت: سازماندهی و مدیریت لازم برای پاسخگویی به پرسش‌ها و نیازهای بنیادین بشر

- بسیاری از فرهنگ‌ها از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و جهانی شدند ← برخی از آن‌ها فرهنگ سلطه و استکبار بودند.  
 - جهان‌گشایی‌ها با حضور مستقیم سربازان شکل می‌گرفت ← خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوانی به‌همراه داشت اما همیشه بسط فرهنگی به دنبال نمی‌آورد.  
 - قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد ← هویت فرهنگی خود را حفظ می‌کرد ← با ضعف تدریجی قدرت نظامی مهاجم ← استقلال سیاسی خود را به‌دست می‌آورد.

- امپریالیسم = هر نوع سلطه
- ۱- سیاسی: از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف
  - ۲- اقتصادی: تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر از طریق قدرت اقتصادی
  - ۳- فرهنگی: مقاومت فرهنگی منطقه‌ای فرو ریزد و قوم مغلوب برتری جامعه مسلط را بپذیرد.

- استعمار = اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی
- ۱- استعمار قدیم
    - ۱- نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری
    - ۲- حضور مستقیم و آشکار استعمارگران در آن
    - ۳- موفقیت آن ناشی از پیشرفت در دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی
  - ۲- استعمار نو
    - ۱- پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایجاد شد.
    - ۲- استفاده از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره
    - ۳- استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند
  - ۳- استعمار فرا نو
    - ۱- استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی
    - ۲- هدف قرار دادن هویت فرهنگی
    - ۳- استعمارگران و مجریان هر دو پنهان

## ■ منطق

## انسان و تفکر

ملاک برتری انسان که همواره عمومیت یافته است ← **نطق**: قدرت تفکر و اندیشه تفکر و تعقل که در سخن گفتن متجلی می‌شود.

## منطق

قواعد حاکم بر دنیای تفکر که از ذات آدمی نشأت می‌گیرد.  
دانش منطق = دانشی که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند.

## نکات مهم

- هیچ‌کس «**بداع‌کننده**، **واضع**، **طراح** و **مخترع**» منطق نیست.
- ارسطو تنها علم منطق را **تدوین** نمود و می‌توان گفت او **کاشف** قواعد منطق است.

## چگونه تعریف می‌کنیم؟

## اقسام علم

۱. **تصور** = برداشت ذهنی ما از مفاهیم مختلف است؛ مانند تصور ما از آسمان، درخت، سیب و ... در هنگام تصور یک چیز، واقعیت داشتن آن یا ارتباط آن با سایر موجودات اهمیت ندارند.
  ۲. **تصدیق** = همان «جمله» یا «قضیه» است.
- در تصدیقات حکم و قضاوت وجود دارد.

## اقسام تفکر

۱. **تعریف** = کاری که برای رسیدن به چیستی یک مفهوم و یک تصور انجام می‌دهیم.
۲. **استدلال** = کاری که برای رسیدن به یک تصدیق جدید انجام می‌دهیم.

## تعریف

**مَعْرِفَ** = مفهومی که می‌خواهیم تعریف کنیم؛ مثل مثلث  
**مُعَرَّفَ** = مفاهیمی که به کمک آن‌ها تعریف را انجام می‌دهیم؛ مثل شکل سه‌ضلعی در تعریف مثلث.

## قواعد تعریف

۱. از مفاهیمی باید استفاده کنیم که برای مخاطب **واضح** و **روشن** باشد. (واضح‌تر از معرف باشد).
۲. از مفاهیم **مرتبط** با مفهوم مجهول باید استفاده کنیم.
۳. مفاهیم مورد استفاده باید **همه** یا **بخشی** از **محتوای درونی** مجهول را دربر بگیرد.
۴. از مفاهیم **کلی‌تر شروع** می‌کنیم و به مفاهیم **جزئی‌تر** می‌رسیم.
۵. تعریف باید **جامع** باشد؛ یعنی:

همهٔ اقسام آن چه را که می‌خواهیم تعریف کنیم، دربرگیرد.

مثال صحیح: انسان = حیوان متفکر

مثال نادرست: انسان = حیوان شاعر

تعریف باید **مانع** باشد؛ یعنی غیر از آن چه که قصد تعریفش را داریم، دربرنگیرد.

مثال صحیح: مثلث = شکل سه‌ضلعی

مثال نادرست: مثلث = شکل زاویه‌دار

## تعریف و دنیای مفاهیم

## کلی و جزئی

**مفهوم جزئی**: تنها بر یک مصداق و یک فرد منطبق است و **فرض افراد متعدد** برای آن **محال** است؛ مثل حافظ، ایران، افراسیاب و ...  
**مفهوم کلی**: مفهومی است که می‌تواند **افراد و مصداق‌های متعدد** داشته باشد. البته ممکن است در واقع و جهان خارج یک مصداق بیشتر نداشته باشد (مولود کعبه) یا اصلاً هیچ مصداقی نداشته باشد (دب).  
→ **نکته** مفاهیم جزئی در تعریف استفاده نمی‌شوند و تنها مفاهیم کلی قابلیت استفاده در تعریف را دارند.

## نسب اربع

۱. **تساوی**: دو مفهوم از نظر مصادیق کاملاً بر هم منطبق هستند. (مثلث و شکل سه‌ضلعی)
  ۲. **عموم و خصوص مطلق**: مفهوم اول تمامی مصادیق مفهوم دوم را دربرمی‌گیرد اما مفهوم دوم تنها بعضی از مصداق‌های مفهوم اول را دربرمی‌گیرد. (ایرانی و تهرانی)
  ۳. **عموم و خصوص من‌وجه**: دو مفهوم در برخی مصادیق مشترک و در برخی دیگر هیچ اشتراکی ندارند. (لباس و سفید)
  ۴. **تباين**: دو مفهوم هیچ مصداق مشترکی ندارند. (انسان و اسب)
- مفهوم ذاتی: اجزای درونی و سازندهٔ یک مفهوم  
مفهوم عرضی: مفاهیمی که صفت یک مفهوم قرار می‌گیرند اما جزء ذات و حقیقت آن نیستند.

## ویژگی‌های مفاهیم ذاتی

۱. از **ذات** و **ماهیت**، قابل **جدایی** نیست.

۲. وجود آن برای ذات **علت** نمی‌خواهد.

۳. در مقام تصور **مقدم بر ذات** تصور می‌شود.

→ **نکته** بعضی از عرض‌ها ممکن است در صفت اول و دوم با مفاهیم ذاتی مشترک باشند اما **صفت سوم** تنها اختصاص به مفاهیم ذاتی دارد.

## ■ فلسفه

### فلسفه چیست (۱)

کلمه فلسفه: معرب کلمه «فیلسوفیا» است و ریشه یونانی دارد.

فیلو (دوستداری) + سوفیا (دانایی) = دوستداری دانایی

سوفیست‌ها: گروهی بودند که در استدلال‌های خود مغالطه می‌کردند و ادراک انسان را مقیاس «حقیقت و واقعیت» می‌دانستند.

### مبانی فلسفی علوم طبیعی

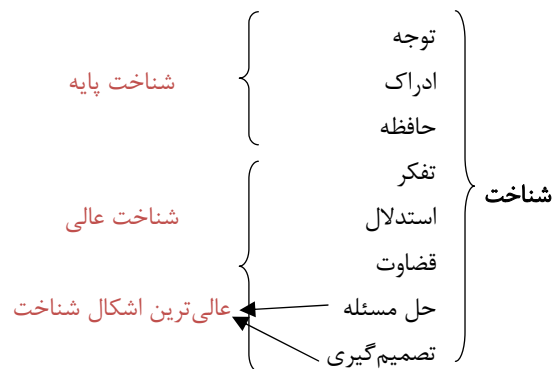
۱. واقعیت داشتن جهان: عناصر تشکیل دهنده جهان ساخته خیالات ذهنی نیستند.
۲. قابل شناخت بودن طبیعت: آدمی قادر به شناخت طبیعت و موجودات و قوانین آن است.
۳. درستی روش تجربه و آزمایش: به حواس انسان می‌توان اعتماد کرد و تجربه و آزمایش روشی مطمئن برای کشف اسرار طبیعت است.
۴. یکسان عمل کردن طبیعت: طبیعت همواره به صورت یکنواخت و مشابه عمل می‌کند.
۵. تبعیت همه موجودات از اصل علیت: امکان ندارد در این جهان حادثه‌ای بدون علت اتفاق افتد.

### فلسفه چیست (۲)

۱. فلسفه و روان‌شناسی: موضوع ابعاد وجودی انسان و شناخت، مسئله‌ای است که دانش روان‌شناسی را با فلسفه مربوط می‌سازد.
  - روان‌شناسی رفتارگرا برای شخصیت انسان امتیازی جدای از محیطی که در آن پرورش می‌یابد، قائل نیست و معتقد است می‌توان رفتارهای او را پیش‌بینی و ارزیابی کرد.
  - روان‌شناسی گشتالت بیان می‌دارد که انسان در یادگیری و شناخت، ابتدا کل یک مسئله را بدون توجه به اجزا در نظر می‌گیرد، سپس به عملیات جزئی آن می‌پردازد.
۲. فلسفه و جامعه‌شناسی: این مطلب که اصالت با فرد است یا جمع و این‌که انسان تابع پایگاه طبقاتی خود است یا اراده مستقل دارد، فلسفه را با جامعه‌شناسی پیوند می‌دهد.
  - اصالت فرد: جامعه چیزی غیر از مجموع افراد نیست.
  - اصالت جامعه: جامعه وجودی مستقل از افراد جامعه دارد.
۳. فلسفه و سیاست: بررسی این حقیقت که حکومت بر چه پایه‌ای استوار است یا حق حاکمیت از آن چه کسی است، فلسفه را با سیاست مربوط می‌سازد.
۴. فلسفه و اخلاق: بحث درباره این‌که ملاک خوبی و بدی اخلاقی چیست، موضوعی است که فلسفه را با اخلاق پیوند می‌دهد.
  - نسبی یا مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی در فلسفه اخلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۵. فلسفه هنر: بحث درباره ماهیت زیبایی و زشتی و این‌که چه چیزی زیبا و چه چیزی زشت است، رابطه فلسفه با هنر را توصیف می‌کند.

## ■ روان‌شناسی

- گزاره علمی: یک بیان علمی
  - فرضیه: جمله‌ای خبری که به صورت خردمندانه (براساس دانش و تجربه) در پاسخ به سؤالی طرح شود.
  - فرضیه — تأیید ← قانون (اصل)
  - نظریه: مجموعه‌ای از قوانین علمی
  - سلسله مراتب گزاره‌های علمی: مسئله ← فرضیه ← اصول یا قوانین ← نظریه
- هدف روان‌شناسی
- توصیف (چیستی)
  - تبیین (چرایی)
  - پیش‌بینی
  - کنترل
- منابع کسب شناخت
- استناد به نظر صاحب‌نظران و مقام صلاحیت‌دار ← اندیشمندان اسلامی
  - شیوه‌های مبتنی بر سیر و سلوک و روش‌های شهودی ← عرفا
  - شیوه خردگرایانه ← فیلسوفان
  - روش علمی ← فرایند جستجوی با قاعده و نظام‌دار برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین
- ویژگی‌های روش علمی
- تعریف عملیاتی ← بیان دقیق و عینی متغیرها ← باعث سهولت اندازه‌گیری می‌شود.
  - تکرارپذیری ← مانع از خصوصی و شخصی بودن یافته‌ها می‌شود.
- محدودیت‌های علم روان‌شناسی
- رعایت مسائل اخلاقی
  - پیچیدگی‌های پژوهش مربوط به انسان
- تعریف روان‌شناسی: علم مطالعه رفتار (فعالیت مورد مشاهده) و فرایندهای ذهنی (شناخت)



- انواع پردازش
- ادراکی: تکیه بر ویژگی‌های حسی محرک‌ها
  - مفهومی: تکیه بر ویژگی‌های مشترک محرک‌ها و رسیدن به مفهوم

- اندیشمندان مسلمان روان‌شناسی
- جاحظ ← از پیشگامان روش تجربی ← ابزارهای شناخت: حس، عقل و الهام
  - ابن سحنون ← هدف آموزشی و وظایف معلم
  - کندی ← شرح و توصیف نفس و اقسام آن به شیوه ارسطو
  - فارابی ← نظم بخشیدن به علوم و تأکید بر آموزش و تقویت بعد مثبت برای شکوفایی فطرت‌ها و سعادت
  - ابن سینا ← تأکید بر اهمیت ادراک حسی و توجه به تفاوت‌های فردی، مراحل رشد در آموزش، خودشناسی و تربیت نفس، شناخت استعدادها، آموزش گروهی و تشویق

پیش مغز: قشر مخ، هسته‌های قاعده‌ای، دستگاه لیمبیک، تالاموس و هیپوتالاموس  
 مناطق مغز } میان مغز: دستگاه فعال ساز شبکه‌ای  
 مغز پسین: بصل النخاع، پل مغزی، مخچه

وظایف ساختارهای مغزی } ۱- قشر مخ: دارای نقش در تفکر و سایر فرایندهای ذهنی  
 ۲- دستگاه لیمبیک: اهمیت در هیجان، انگیزش، حافظه و یادگیری  
 ۳- تالاموس: انتقال اطلاعات حسی به قشر مخ  
 ۴- هیپوتالاموس: تنظیم رفتار مربوط به بقای نوع  
 ۵- دستگاه فعال ساز شبکه‌ای: انتقال پیام‌های مربوط به خواب و برانگیختگی  
 ۶- بصل النخاع: کنترل فعالیت قلبی، تنفس، بلع و هضم  
 ۷- پل مغزی: انتقال علائم از یک بخش به بخش دیگر مغز  
 ۸- مخچه: کنترل هماهنگی بدن، توازن و کشش عضلانی

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روان‌شناسی } مشاهده ← باید همراه با ثبت دقیق و به دور از پیش‌داوری شخصی باشد.  
 پرسش‌نامه ← باید دقیق و معتبر باشد.  
 مصاحبه ← کاملاً ساختار یافته - بدون ساختار  
 آزمون ← باید دقیقاً چیزی را اندازه‌گیری کند که برای آن ساخته شده و در دفعات متعدد اجرا باید نمره یکسان یا تقریباً یکسانی به ما دهند.

عوامل مؤثر بر رشد } عوامل وراثتی: یک آمادگی خاص نهفته برای بروز رفتارها ← ریش (پختگی): آمادگی زیستی که خود دارای برنامه رشد طبیعی و منظمی است.  
 عوامل محیطی: یادگیری مهم‌ترین آن‌هاست

مراحل مهم رشد انسان } طفولیت (از تولد تا ۲ سالگی)  
 کودکی } کودکی اول (از ۲ تا ۷ سالگی)  
 کودکی دوم (از ۷ تا ۱۲ سالگی)  
 نوجوانی (۱۲ تا ۲۰ سالگی)  
 بزرگسالی } جوانی (بزرگسالی اول) ← ۲۰ تا ۴۰ سالگی  
 میان‌سالی (بزرگسالی دوم) ← ۴۰ تا ۶۵ سالگی  
 پیری (۶۵ سالگی به بعد)

مراحل مهم رشد انسان در اسلام تا ۲۱ سالگی } ۱- هفت سال اول: کودک آقا و سرور است.  
 ۲- هفت سال دوم: کودک فرمانبردار است.  
 ۳- هفت سال سوم: کودک وزیر و مشاور است.

## آشنایی با منطق و استدلال ریاضی (گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها)

پیشنهاد ما برای تدریس معلمان و مطالعه دانش‌آموزان (در کلاس یا به صورت خودآموزی)

۱. چه تعداد از موارد زیر گزاره است؟

(مرتبط با صفحه ۲ کتاب درسی)

- (آ) سیب سبز از سیب قرمز خوشمزه‌تر است.  
 (ب) هنگام عبور از خیابان به چراغ راهنما توجه کنید.  
 (پ) عدد حقیقی  $a$  گنگ است.  
 (ت) تهران پایتخت ایران نیست.  
 (ث) هر مجموعه زیرمجموعه خودش است.

(۱) ۱  
 (۲) ۲  
 (۳) ۳  
 (۴) ۴

۲. ارزش کدام گزاره مرکب با بقیه گزینه‌ها متفاوت است؟

(مرتبط با صفحه‌های ۴ و ۵ کتاب درسی)

- (۱)  $۲^۴ = ۴^۲$  و مثلث متساوی‌الاضلاع دو زاویه  $۶۰$  درجه دارد.  
 (۲)  $۹۳$  عددی اول است و سه عدد اول یک رقمی وجود دارد.  
 (۳) مجموع دو عدد فرد همواره زوج است و حاصل ضرب هر عدد فرد در عدد زوج عددی فرد است.  
 (۴) معادله  $x^۲ + ۲ = ۰$  دو جواب حقیقی دارد و  $۲^۵$  بر ۵ بخش پذیر است.

۳. ارزش کدام گزاره ترکیبی نادرست است؟

(مرتبط با صفحه‌های ۵ و ۶ کتاب درسی)

- (۱) اعداد اول فرد هستند یا اعداد اول مربع کامل هستند.  
 (۲) عدد  $\sqrt{۴}$  زوج است یا  $۳^۲ + ۱$  فرد است.  
 (۳) عدد  $۶۴$  مربع کامل است یا عدد ۱ نه اول و نه مرکب است.  
 (۴)  $\sqrt{۳} - \sqrt{۲}$  گویاست یا  $(-۵)$  عدد صحیح است.

۴. اگر  $p$  گزاره‌ای دلخواه باشد ارزش گزاره  $(p \wedge \sim p)$  ... و ارزش گزاره  $(p \vee \sim p)$  ... است.

(مرتبط با صفحه‌های ۳ تا ۶ کتاب درسی)

- (۱) درست - درست  
 (۲) درست - نادرست  
 (۳) نادرست - درست  
 (۴) نادرست - نادرست

۵. اگر  $p$  گزاره‌ای درست و  $q$  گزاره‌ای نادرست و گزاره  $r$  دلخواه باشد، در این صورت هم‌ارز گزاره

(مرتبط با صفحه‌های ۶ و ۷ کتاب درسی)

مرکب  $(p \Rightarrow \sim q) \Rightarrow (r \Rightarrow \sim p)$  کدام است؟

- (۱)  $r$   
 (۲)  $\sim r$   
 (۳)  $T$   
 (۴)  $F$

۶. اگر  $p$  و  $q$  دو گزاره دلخواه باشند هم‌ارز گزاره  $(\sim p \vee q) \vee (\sim p \wedge \sim q)$  کدام است؟

(مشابه مثال صفحه ۹ کتاب درسی)

- (۱)  $q$   
 (۲)  $\sim q$   
 (۳)  $T$   
 (۴)  $F$

۷. اگر  $p$  گزاره‌ای درست و  $q$  گزاره‌ای نادرست و  $r$  گزاره‌ای دلخواه باشد، ارزش کدام گزاره مرکب

(مشابه تمرین صفحه ۱۱ کتاب درسی)

زیر همواره نادرست است؟

- (۱)  $(q \Rightarrow r) \Leftrightarrow (p \Leftrightarrow \sim q)$   
 (۲)  $(r \Rightarrow p) \Leftrightarrow (\sim p \Leftrightarrow q)$   
 (۳)  $(p \Rightarrow q) \Leftrightarrow (r \Leftrightarrow q)$   
 (۴)  $(p \Rightarrow q) \Leftrightarrow (\sim r \Rightarrow p)$

۸. هم‌ارزی کدام گزینه نادرست است؟

(مشابه مثال صفحه ۹ کتاب درسی)

- (۱)  $p \vee (\sim p \wedge q) \equiv p$   
 (۲)  $p \vee (p \wedge q) \equiv p$   
 (۳)  $p \wedge (p \vee q) \equiv p$   
 (۴)  $(q \vee \sim q) \wedge p \equiv p$

۹. عکس نقیض گزاره مرکب  $(p \vee \sim q) \Rightarrow (r \wedge q)$  کدام است؟

(مرتبط با صفحه ۱۰ کتاب درسی)

- (۱)  $((\sim r) \vee (\sim q)) \Rightarrow \sim p \wedge q$   
 (۲)  $r \vee q \Rightarrow \sim p \wedge q$   
 (۳)  $r \vee q \Rightarrow p \vee \sim q$   
 (۴)  $((\sim r) \vee (\sim q)) \Rightarrow p \vee q$

۱۰. ارزش گزاره مرکب  $(p \wedge (\sim q)) \Leftrightarrow (\sim p \vee q)$  کدام است؟

(مرتبط با صفحه‌های ۸ و ۱۱ کتاب درسی)

- (۱)  $p$   
 (۲)  $\sim q$   
 (۳)  $F$   
 (۴)  $T$

## آشنایی با اقتصاد (اقتصاد چیست؟ و تولید)

پیشنهاد ما برای تدریس معلمان و مطالعه دانش‌آموزان (در کلاس یا به صورت خودآموزی)

۱۱. کدام گزینه پاسخ درست پرسش‌های زیر است و هم‌چنین جاهای خالی عبارت زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

(مرتبط با صفحه‌های ۹ تا ۱۴ و ۱۵ کتاب درسی)

الف) کدام یک از دلایل ایجاد وضعیت کمیابی است؟

ب) بهترین روش استفاده از منابع و امکانات کدام است؟

ج) با گسترش و پیشرفت تمدن بشری ... بشر نیز تکامل بیش‌تری یافت و به عنوان ... شناخته شد.

د) کدام گزینه نادرست است؟

۱) الف) نامحدود و گوناگون بودن نیازها و خواسته‌های انسان، ب) با استفاده از این منابع محدود بتوان بیش‌ترین میزان منافع را به دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد، ج) اندیشه اقتصادی - علم اقتصاد، د) اقتصاددانان در مطالعات اقتصادی، امکان استفاده از ابزارهای خاص علوم تجربی را ندارند، بنابراین آن‌ها با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه نمی‌کنند.

۲) الف) محدودیت منابع و امکانات در دسترس بشر و هم‌چنین محدودیت انسان در بهره‌برداری از این منابع، ب) استفاده کم‌تر از آن‌ها به استناد این‌که این منابع به آیندگان نیز تعلق دارد. ج) علم اقتصاد - اندیشه اقتصادی، د) علم اقتصاد با ارائه بهترین انتخاب‌ها رفتارهای فردی و جمعی انسان را مدیریت می‌کند.

۳) الف) نامحدود و گوناگون بودن نیازها و خواسته‌های انسان، ب) استفاده کم‌تر از آن‌ها به استناد این‌که این منابع به آیندگان نیز تعلق دارد، ج) علم اقتصاد - اندیشه اقتصادی، د) علم اقتصاد با ارائه بهترین انتخاب‌ها رفتارهای فردی و جمعی انسان را مدیریت می‌کند.

۴) الف) محدودیت منابع و امکانات در دسترس بشر و هم‌چنین محدودیت انسان در بهره‌برداری از این منابع، ب) با استفاده از این منابع محدود بتوان بیش‌ترین میزان منافع را به دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد، ج) اندیشه اقتصادی - علم اقتصاد، د) اقتصاددانان در مطالعات اقتصادی، امکان استفاده از ابزارهای خاص علوم تجربی را ندارند، بنابراین آن‌ها با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه نمی‌کنند.

۱۲. به ترتیب هر کدام از اشیاء زیر چه نوع کالایی هستند؟

«بخچال مورد استفاده در سوپر مارکت - پارچه مورد استفاده در خیاطی - نورافشان - اتومبیل خانوار»

(مرتبط با صفحه‌های ۲۰ و ۲۱ کتاب درسی)

۱) سرمایه‌ای - واسطه‌ای - تجملی - بادوام

۲) بادوام - مصرفی - ضروری - سرمایه‌ای

۳) سرمایه‌ای - مصرفی - ضروری - سرمایه‌ای

۴) بادوام - واسطه‌ای - تجملی - بادوام

۱۳. کدام گزینه در ارتباط با اقتصاد و آموزه‌های اسلامی نادرست است؟

(مرتبط با صفحه‌های ۱۷ و ۱۸ کتاب درسی)

۱) از نظر اسلام، اقتصاد در زندگی فرد اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما عقل انسان را به تنهایی برای موفقیت و رسیدن به هدف کافی نمی‌داند.

۲) یکی از علت‌های توجه اسلام به اقتصاد، اهمیت روز افزون مسائل اقتصادی در اجتماع و حیات جمعی انسان‌ها و تأثیر عوامل اقتصادی بر همه جنبه‌های زندگی فرد، خانواده و جامعه است.

۳) کشوری که وضعیت اقتصادی آن نابسامان باشد و نتواند پایه‌های بقیه کشورهای دنیا در مسیر پیشرفتی همه‌جانبه حرکت کند، بسیار آسیب‌پذیر و از نظر اجتماعی و سیاسی به بحران‌های گسترده دچار می‌شود.

۴) جامعه اسلامی برای حفظ هویت و استقلال سیاسی و فرهنگی خود، باید به رشد و پیشرفت اقتصادی توجهی نکند و تلاش برای رفع محرومیت‌ها، برخورداری از فرصت‌ها و حفظ کرامت انسانی را وظیفه خود بداند.

۱۴. اگر زمینی را به کشت لوبیا اختصاص دهیم، عملاً از گندمی که می‌توانستیم از آن برداشت کنیم صرف‌نظر کرده‌ایم، یا اگر پولمان را به خرید ظروف اختصاص دهیم از خرید لباس محروم می‌شویم. در این صورت، کدام یک «هزینه‌ی فرصت از دست رفته» تلقی می‌شود؟

(مکمل صفحه ۱۳ کتاب درسی)

۱) میزان محصول لوبیا که زمین را به کشت آن اختصاص داده‌ایم.

۲) میزان لباسی که از خرید آن‌ها صرف‌نظر کرده‌ایم.

۳) میزان پولی که صرف خرید ظروف شده است.

۴) میزان سودی که از فروش لوبیا به دست می‌آوریم.



### ۱۵. کدام گزینه بیانگر بازیگران و فعالان عرصه اقتصاد است؟

(مرتبط با صفحه ۲۱ کتاب درسی)

۱) بازیگران خرد مانند افراد، خانواده‌ها یا شرکت‌ها، انواع مؤسسات انتفاعی یا غیرانتفاعی که در تولید، مصرف و مبادله محصولات نقش ایفا می‌کنند. - بازیگر کلان (دولت) که برای ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد فعالیت می‌کند. - سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، جهانی یا منطقه‌ای که با کمک آن‌ها روابط اقتصادی بین کشورها بیشتر رونق بگیرد.

۲) بازیگران خرد مانند افراد، خانواده‌ها یا دولت‌ها که با هدف ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد فعالیت می‌کنند. - بازیگران منطقه‌ای یا جهانی و بین‌المللی که با هدف تأمین برخی نیازهای عمومی (مثل دفاع نظامی) تأسیس شده‌اند. - بازیگران اقتصاد داخلی که در تولید محصولات، مصرف و مبادله آن‌ها با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند.

۳) بازیگران اقتصاد داخلی که در تولید محصولات، مصرف و مبادله آن‌ها با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند. - بازیگر کلان (دولت) که برای ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد فعالیت می‌کند. - بازیگران منطقه‌ای یا جهانی و بین‌المللی که با هدف تأمین برخی نیازهای عمومی (مثل دفاع نظامی) تأسیس شده‌اند.

۴) بازیگران خرد مانند افراد، خانواده‌ها یا شرکت‌ها، انواع مؤسسات انتفاعی یا غیرانتفاعی که در تولید، مصرف و مبادله محصولات نقش ایفا می‌کنند. - بازیگران منطقه‌ای یا جهانی و بین‌المللی که با هدف تأمین برخی نیازهای عمومی (مثل دفاع نظامی) تأسیس شده‌اند. - بازیگر کلان (دولت) که برای ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد فعالیت می‌کند.

### ۱۶. کدام گزینه در ارتباط با نوع دوم تولید صحیح نیست؟

(مرتبط با صفحه ۲۴ کتاب درسی)

- ۱) ترکیب و تبدیل مواد حیازت شده
- ۲) تولید منابع طبیعی با استفاده از ابزار
- ۳) پوشاک مثالی است برای این نوع از تولید
- ۴) ایجاد ارزش مصرفی یا مبادلاتی در محصولات

### ۱۷. کدام گزینه به ترتیب مثالی برای زمین، عوامل انسانی و سرمایه هستند؟

(مرتبط با صفحه‌های ۲۶ و ۲۷ کتاب درسی)

- ۱) ماشین‌آلات - متخصص - تجهیزات
- ۲) تجهیزات - کارآفرین - معادن
- ۳) دریا - کارگر - معادن
- ۴) معادن - صاحبان کسب و کار و محصول - ماشین‌آلات

### ۱۸. هر یک از موارد زیر به ترتیب با عبارات کدام گزینه در ارتباط است؟

تولید منابع با استفاده از ابزار - محصولات نرم - برداشت مستقیم محصول - ایجاد ارزش مصرفی یا مبادلاتی در محصولات

(مرتبط با صفحه ۲۴ کتاب درسی)

- ۱) صنعت - خدمات - حیازت - احیا
- ۲) احیا - حیازت - خدمات - صنعت
- ۳) حیازت - خدمات - احیا - صنعت
- ۴) احیا - خدمات - حیازت - صنعت

### ۱۹. تولیدکننده‌ای با فروش محصولات خود در سال ۹۵ به میزان ۴,۵۰۰,۰۰۰ ریال سود ویژه برده

است و میزان هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم در این سال برای او  $\frac{3}{5}$  درآمد هاست. اگر هزینه‌های فرصت در یک ماه برای او ۳۲۰,۰۰۰ ریال باشد، میزان هزینه‌های مستقیم ماهانه وی چند ریال است؟

(مکمل صفحه ۲۹ کتاب درسی)

- ۱) ۶,۴۳۰,۰۰۰
- ۲) ۲,۹۱۰,۰۰۰
- ۳) ۲۴۲,۵۰۰
- ۴) ۲۲۴,۵۰۰

۲۰. هزینه‌های مستقیم تولیدی یک بنگاه اقتصادی، در جدول زیر آمده است. اگر این بنگاه، سالانه ۳۰۰۰ قطعه کالای واسطه‌ای به قیمت هر واحد، ۶۰,۰۰۰ ریال تولید و به فروش برساند، میزان سود یا زیان حسابداری سالانه آن به چه میزان است؟

(مکمل صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ردیف	اقدام هزینه	مبلغ به ریال
۱	اجاره ماهانه بنگاه	۵,۰۰۰,۰۰۰
۲	میانگین دستمزد ماهانه هریک از ۵ کارگری که در استخدام بنگاه هستند.	۵۰۰,۰۰۰
۳	خرید مواد اولیه مورد نیاز سالانه	۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۴	هزینه استهلاک سالانه ماشین‌آلات	۱۰,۰۰۰,۰۰۰

- ۱) ۴۰ میلیون ریال سود
- ۲) ۱۲/۵ میلیون ریال زیان
- ۳) ۳۲ میلیون ریال سود
- ۴) ۱۷/۵ میلیون ریال زیان

## تاریخ ادبیات فارسه در قرن های ۷، ۸، ۹... تشبیه

پیشنهاد ما برای تدریس معلمان و مطالعه دانش آموزان (در کلاس یا به صورت خودآموزی)

**۲۱.** خواجه رشیدالدین فضل الله در زمان وزارت و اقتدار خود در عصر ... و ... قدم های فرهنگی و عمرانی بسیاری برداشت که از آن جمله تأسیس مجموعه علمی - فرهنگی ربع رشیدی در ... بود.

- (۱) غازان خان - اولجایتو - تبریز (۲) غازان خان - اولجایتو - مراغه  
(۳) شاهرخ - بایسنقر میرزا - تبریز (۴) شاهرخ - بایسنقر میرزا - مراغه

(مرتبط با صفحه های ۱۵ و ۱۶ کتاب درسی)

**۲۲.** موضوع کتاب «مرصادالعباد» نجم الدین رازی با موضوع کدام یک از آثار زیر شباهت دارد؟

- (۱) مثنوی معنوی (۲) تاریخ جهانگشا  
(۳) المعجم (۴) موش و گربه

(مرتبط با صفحه های ۱۴ و ۱۵ کتاب درسی)

**۲۳.** کدام یک از مضامین زیر در ادبیات بعد از حمله مغول و تیمور دیده نمی شود؟

- (۱) روحیه تسامح و آسان گیری (۲) خدمت به خلق  
(۳) آزادی خواهی سیاسی (۴) اعتقاد به بی ثباتی دنیا

(مرتبط با صفحه ۱۳ کتاب درسی)

**۲۴.** کدام یک از آثار زیر شامل تاریخ پیامبران و خلفای چهارگانه است؟

- (۱) تذکره دولتشاه (۲) عشاق نامه  
(۳) جامع التواریخ (۴) تاریخ گزیده

(مرتبط با صفحه ۱۷ کتاب درسی)

**۲۵.** مرز پایه های آوایی در مصراع کدام گزینه به درستی مشخص نشده است؟

- (۱) مکن پیش دیوار غیبت بسی = مَ کُن پِی | ش دِی وَا | ر غِیَ بَت | بُ سِی  
(۲) ده روز مهر گردون افسانه است و افسون = دَه رُوز مَهر | رُ گَر دُون | اَ ف سَا نِ اَس | تَ اَ ف سُون  
(۳) چو گل گر خرده ای داری خدا را صرف عشرت کن = چُو گُل گَر خُر دِ اِی داری | خُ دَا رَا  
ص ر | فِ عِشْرَت کُن

(مرتبط با صفحه های ۲۲ و ۲۴ کتاب درسی)

(۴) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی = مَ رنِ جَان دِ لِم رَا کِه اِین مَرغ وَحْشِی

**۲۶.** مصراع کدام گزینه از نظر ارکان عروضی با سایر گزینه ها متفاوت است؟

- (۱) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم  
(۲) من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت  
(۳) مرا از ازل عشق شد سرنوشت  
(۴) دلم جز مهر مه رویان طریقی بر نمی گیرد

(مرتبط با صفحه های ۲۲ و ۲۴ کتاب درسی)

**۲۷.** پایه های عروضی مصراع کدام گزینه متفاوت با سایر گزینه ها است؟

- (۱) اگر صد تیر ناز از دلبر آید  
(۲) پس از صد سال بعد از مرگ فایز  
(۳) بگفتا گر خرامی در سرایش  
(۴) بگفتا که این مرد بد می کند

(مرتبط با صفحه های ۲۲ و ۲۴ کتاب درسی)

**۲۸.** تعداد تشبیه در کدام بیت بیش تر است؟

- (۱) همچو سایه پی خورشید رخت چون نرود / دل که در گردنش از زلف تو مشکین رسن است  
(۲) گشتم از اشک ندامت مخزن گنج گهر / خانه من چون صدف معمور از این باران شده  
(۳) هر سحر بی شام زلفین تو ای حوراصفت / چشمه چشمم پر از گوهر شود دریاصفت  
(۴) در شکرزار قناعت برده ام چون مور راه / سیرچشمی خاتم دست سلیمان من است

(مرتبط با صفحه های ۲۹ و ۳۲ کتاب درسی)

**۲۹.** در همه ابیات به استثنای بیت ... هر دو نوع تشبیه گسترده و فشرده یافت می شود.

(مرتبط با صفحه های ۲۹ و ۳۲ کتاب درسی)

- (۱) خط و لب دلکشات، طوطی و شکرستان / زلف و رخ مهوش، تیره شب و ماهتاب  
(۲) ای که از باغ رسالت چو تو شمشاد نخاست / کار اسلام ز بالای بلندت بالاست  
(۳) احتیاجت به چمن نیست که بر سرو قدت / گل دمیده است و همه ساله بهار اشکفته است  
(۴) تا کند مرغ دلم را چون کبوتر پای بند / بر کنار دانه دام از مشک ناب انداخته است

**۳۰.** در همه گزینه ها، به جز گزینه ... همه ارکان تشبیه آمده است.

(مرتبط با صفحه های ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی)

- (۱) آن که لرزد هم چو مرغ نیم بسمل، صبح و شام / در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس  
(۲) وظیفه ی زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ / یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان  
(۳) خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب / چونان فرشته بر سر او سایه گستر است  
(۴) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد / چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

## اسم تفضیل و اسم مکان، اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه

پیشنهاد ما برای تدریس معلمان و مطالعه دانش‌آموزان (در کلاس یا به صورت خودآموزی)

■ عَيْنُ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ: (۳۱ - ۳۵)

۳۱. «يَقْدَمُ لِقْمَانُ الْحَكِيمُ لِإِنِّهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً، وَ هَذَا نَمُودَجُ تَرْبُوِيٍّ لِيَهْدِيَّ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ!»:

(مرتبط با صفحه ۲ کتاب درسی)

- ۱) لقمان حکیم به پسرش اندرزهای ارزشمندی تقدیم می‌کند، و این یک نمونه تربیتی است تا به وسیله آن همه جوانان راهنمایی شوند!
- ۲) لقمان حکیم به فرزند خویش پندهای ارزشمندی می‌دهد، و این نمونه‌ای تربیتی است تا از طریق آن همه جوانان را راهنمایی کند!
- ۳) به پسر لقمان حکیم اندرزهای با ارزشی تقدیم می‌شود، و آن یک الگوی پرورشی است تا به وسیله آن هر جوانی راهنمایی شود!
- ۴) تقدیم می‌کند لقمان حکیم به پسر خودش موعظه‌های گرانبهایی، و این‌ها شیوه‌های تربیتی است تا تمام جوانان را با آن ارشاد کند!

۳۲. «صناعة التلميح جاءت في أشعار شعراء معروفين في الأدب الفارسي مثل حافظ و سعدی و المولوی و غیرهم!»:

(مرتبط با صفحه ۱۶ کتاب درسی)

- ۱) صنعت ادبی «تلمیح» در اشعار شاعران معروف در ادبیات فارسی مانند حافظ و سعدی و مولوی آمده است.
- ۲) آرایه «تلمیح» در اشعار شعرای مشهوری در ادبیات فارسی مثل حافظ و سعدی و مولوی و جز آنان آمده است.
- ۳) صنعت «تلمیح» در شعر شاعرانی مانند حافظ و سعدی و مولوی و دیگران در ادبیات پارسی آمده است.
- ۴) آرایه «تلمیح» تنها در اشعار شاعرانی معروف در ادبیات فارسی یافت می‌شود مانند حافظ و سعدی و مولوی و جز ایشان.

۳۳. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(مرتبط با صفحه ۱۰ کتاب درسی)

- ۱) «رَأَدَ قَنْبِرٌ أَنْ يَسْبُ أَلَّذِي كَانَ سَبَّهُ!»: قنبر خواست به کسی که به او لطف کرده بود، محبت کند.
- ۲) «دَعُ شَاتِمَكَ مُهَانًا تُرْضِي الرَّحْمَنَ!»: دشنام‌گوی خود را با احترام رها کن تا بخشاینده را خشنود کنی.
- ۳) «لَا أَسْخَطُ الْمُؤْمِنَ الشَّيْطَانَ بِمَثَلِ الصَّمْتِ!»: مؤمن اهریمن را (با چیزی) به مانند خاموشی خشمگین نکرد.
- ۴) «لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمَثَلِ السَّكُوتِ عَنْهُ!»: نادان (با چیزی) همانند سکوت در برابرش کیفر نمی‌شود.

۳۴. عَيْنُ الْخَطَأِ:

(مرتبط با صفحه‌های ۲، ۴ و ۱۷ کتاب درسی)

- ۱) «تلك السيارة مُجَهَّزَةٌ بِالْبَطَارِيَةِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ!»: آن اتومبیل مجهز به باطری برقی است.
- ۲) «قَدْ تَفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ!»: گاهی چشمه حیات در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود.
- ۳) «كان هؤلاء الأولاد يتعلمون الفنون النافعة من آبائهم!»: این فرزندان هنرهای سودمندی را از پدرانشان یاد گرفته‌اند.
- ۴) «علينا بالاعتقاد في استهلاك الماء في فصل الصيف!»: ما باید در مصرف آب در فصل تابستان میانه‌رو باشیم.

۳۵. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ آيَةِ:

«وَلَا تُمْسِرُوا خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»

(مرتبط با صفحه ۲ کتاب درسی)

- (۱) آسمان خاک ره مردم بی آزار است / گرگ در گله این قوم شبان می گردد
- (۲) اندازه نگاهدار که اندازه نکوست / هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
- (۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
- (۴) دست چون ماند به زیر سنگ سخت / جز به نرمی کی توان بیرون کشید

۳۶. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرَادُفِ وَ التَّنَادُفِ:

(مرتبط با صفحه ۴ کتاب درسی)

- (۱) أَعْلَى ≠ أَرْحَصَ، نَاهُونَ = نُهَاة
- (۲) اِبْتَعَدَ ≠ اِقْتَرَبَ، خَلْفَ = وِرَاء
- (۳) اَوْمَرُ ≠ اِنَّهٗ، اَنْكَرَ = اَفْبَح
- (۴) ضَلَّ ≠ اَهْدَى، شَدَائِدَ = مَشَاكِل

۳۷. کم اسم التفضیل و اسم المکان معاً یوجد فی العبارة التالیة؟

(مرتبط با صفحه های ۵، ۶ و ۹ کتاب درسی)

«ذَهَبْتُ إِلَى مَصْنَعِ أُخْتِي الصُّعْرَى؛ وَ اشْتَرَيْتُ قَمِيصًا أبيضَ وَ سِرْوَالينَ. أَحَدُهُمَا أكبرُ مِنَ الْآخَرِ.»

- (۱) ثلاثة
- (۲) أربعة
- (۳) خمسة
- (۴) ستة

۳۸. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

(مرتبط با صفحه های ۱۱، ۱۶ و ۱۷ کتاب درسی)

- (۱) مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ التَّنَادُمَةُ! (فاعل و مرفوع)
- (۲) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! (مفعول و منصوب)
- (۳) حَسَنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ! (خبر و مرفوع)
- (۴) وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى! (فاعل و مرفوع)

۳۹. عَيْنُ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِسْمُ الْفَاعِلِ:

(مرتبط با صفحه های ۱۸ و ۱۹ کتاب درسی)

- (۱) أَحَبَّتَنِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي!
- (۲) فَكَمْ تَمَرَّرَ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ!
- (۳) الْعِدَاةُ نِهَآيَةُ النَّهَارِ وَ بَدَايَةُ ظَلَامِ اللَّيْلِ!
- (۴) وَصَلْنَا إِلَى تِلْكَ الْقَرْيَةِ آخِرَ اللَّيْلِ!

۴۰. عَيْنُ الْجُمْلَةِ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ:

(مرتبط با صفحه های ۱۶، ۱۸ و ۲۲ کتاب درسی)

- (۱) الْعَجِينُ مَادَةٌ يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنْهَا!
- (۲) الْاِعْجَابُ بِالنَّفْسِ لَيْسَ عَمَلًا مَقْبُولًا عِنْدَ النَّاسِ!
- (۳) اَلْعِدَاةُ نِهَآيَةُ النَّهَارِ وَ بَدَايَةُ ظَلَامِ اللَّيْلِ!
- (۴) لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْاِبْرَانِيَّةِينَ مَلَمَّعَاتُ!